



علامه جوادی آملی با نظریه پردازی مشهودات عرفانی را معقول می‌کند

عضو گروه فلسفه و عرفان پژوهشگاه علوم و حیانی معارج با بیان این‌که آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی با نظریه پردازی تمام مباحث عرفان نظری را برهانی می‌کند، اظهار کرد: نوع تقریر ایشان از حیث برهانی بودن کم‌نظیر است و ایشان به‌خوبی توانسته‌اند مشهودات عرفانی را معقول کنند.

عضو گروه فلسفه و عرفان پژوهشگاه علوم و حیانی معارج با بیان این‌که آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی با نظریه پردازی تمام مباحث عرفان نظری را برهانی می‌کند، اظهار کرد: نوع تقریر ایشان از حیث برهانی بودن کم‌نظیر است و ایشان به‌خوبی توانسته‌اند مشهودات عرفانی را معقول کنند.

حجت‌الاسلام و المسلمین سیدمحمد طباطبایی، عضو گروه فلسفه و عرفان پژوهشگاه علوم و حیانی معارج، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا) با بیان این‌که آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی هم و غمشان بر این است که عرفان نظری را برهانی کنند، اظهار کرد: ایشان در این مباحث به نظریه پردازی می‌پردازند و از حکمت متعالیه نیز استفاده خوبی می‌کنند تا در مباحث مختلف عرفان نظری، مطالب را خوب جا بیندازند.

وی افزود: ویژگی اثر ایشان این است که نقیصه‌های حکمت متعالیه را برای بیان عرفان نظری برطرف می‌کند. گرچه همه مباحث عرفان نظری، معانی کلی نیست تا بتوان آن را برهانی کرد، بلکه برخی از مشهودات، مشهودات جزئی عرفاست که در عرفان نظری مطرح می‌شود، اما ایشان برای آن دسته از مشهودات نیز معمولاً نظریاتی را بیان می‌کنند و نظریه پردازی می‌کنند تا به این ترتیب، تمام مباحث عرفان نظری را برهانی کنند.

عضو گروه فلسفه و عرفان پژوهشگاه علوم و حیانی معارج عنوان کرد: ایشان معتقدند که عرفان نظری بدون این‌که مستند و معقول ارائه شود، جای خود را باز نمی‌کند و فقط برای خود شخص عارف خواهد بود و تنها برای خود شخصی که اهل شهود است، به درد می‌خورد و برای دیگران قابل عرضه نیست.

وی ادامه داد: درباره تحریر «تمهیدالقواعد» يك شرح متن داریم که ایشان فقط متن را شرح می‌کنند، همچنین يك بحث با عنوان «اشارات» داریم که نظر خاص و تقریر خاص خود را متناسب با موضوع آن متن، بیان کرده‌اند. در خود شرح فصوص هم همین‌طور است که نظرات خاصشان در قالب اشارات مطرح کرده‌اند. گرچه سعی می‌کنند که در شرح متن هم، آن شرح را با مبانی حکمت متعالیه به شکلی بیان کنند که قابل عرضه باشد.

شاگرد آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی تأکید کرد: البته ایشان در هنگام شرح متن، آنجایی که مباحث، خارج از ظرفیت متن است، در بحث «اشارات» به آن می‌پردازند و نظرات خاص خود را در آن بخش بیان می‌کنند. حقیقتاً هم نوع تقریر ایشان - از جهت برهانی بودن - منحصر به فرد یا کم‌نظیر است و ایشان به‌خوبی توانسته‌اند مشهودات عرفانی را معقول کنند.

عضو گروه فلسفه و عرفان پژوهشگاه علوم و حیانی معارج در ادامه گفت: معمولاً این‌گونه است که عرفا برای اثبات وحدت وجود می‌گویند ما که به برهان احتیاج نداریم و وحدت وجود را شهود کرده‌ایم و آن را تنها گزارش می‌کنیم، اما آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی به عنوان تأیید عقلی مباحث خود، براهینی را برای محتویات شهودات خود اقامه می‌کنند.

طباطبایی تصریح کرد: آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی تمام براهینی که هم در «تمهیدالقواعد» آمده و هم در شرح «فصوص» و هم در «مصابح‌الانس» آمده، تمام آن براهین را نقد می‌کنند، آن افرادی که این براهین را آورده‌اند، با مبانی عقلی آورده‌اند، اما آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی تمام آن براهین را نقد می‌کنند و می‌گویند که از جهت فلسفی دارای این نقائص است و در جای‌جای متن، نقائص را می‌گویند.

وی با بیان این‌که ایشان بعد از بیان نقائص، خودشان طرح و برهان کامل را ارائه می‌دهند، تأکید کرد: البته استدلال‌ات ایشان بر اساس حکمت متعالیه است و هیچ نقیصه‌ای در آن برهان راه ندارد. ایشان، غیر از آن برهانی که خود ملاصدرا در جلد 2 اسفار برای وحدت وجود آورده است، برهان دیگری بر اساس همان برهان بیان می‌کنند و با تقریر و تبیین جدید مباحث را ارائه می‌کنند.

وی عنوان کرد: آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی همچنین نظرات خاصی در برخی مباحث عرفانی دارند، البته ممکن است چنین نظرانی را افراد دیگری هم داشته باشند، ولی نوع تقریر ایشان را که درباره همان نظر خاص ارائه می‌شود، کسی تاکنون ارائه نکرده است. مثال این را در بحث «ذات» داریم، آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در بحث ذات که یکی از مباحث عرفانی است، نظر خاصی دارند.

طباطبایی اظهار کرد: در عرفان گفته می‌شود که ذات، دست‌نیافتنی است؛ اولاً بحث معرفت کنه ذات که همه معتقدند که امکان‌پذیر نیست، ولی اکثر عرفا به نحوی، معرفت بسیار اجمالی درباره ذات را می‌پذیرند و مطرح می‌کنند، اما آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی در این مبحث همچون تعدادی عرفای دیگر قائل به این هستند که اصلاً به هیچ‌وجه به ذات حق تعالی نمی‌توان معرفت کرد، حتی به اجمال و به اشاره.

وی اضافه کرد: ایشان درباره این مسئله تقریراتی دارند که با استفاده از مباحث فلسفی، آن را بیان می‌کنند. این نوع تقریرات را با استفاده از حکمت متعالیه تاکنون نداشته‌ایم. می‌دانیم که ذات حق تعالی بسیط محض است - نه بسیط نسبی - و می‌دانیم که شناخت هر چیزی یا به همه ذات اوست یا به بخشی از ذات اوست. اما موجود بسیط، بخش ندارد، جزء ندارد و نمی‌توان گفت که یک بخش یا یک جزء از او را شناختیم.

طباطبایی افزود: لذا یک موجود بسیط را تنها با شناخت تمام ذاتش است که می‌توان نسبت به او معرفت پیدا کرد و وقتی گفته شود که ما شناخت اندکی یعنی شناخت اجمالی و کوچکی نسبت به ذات پیدا کرده‌ایم، این جمله اشتباه است؛ چون مستلزم این است که آن موجود بسیط را تجزیه کرده باشیم و به جزئی از آن معرفت و شناخت پیدا کرده باشیم، در حالی که موجود بسیط اصلاً جزء ندارد.

وی با اشاره به شعر: «آب دریا را اگر نتوان کشید / هم به قدر تشنگی باید چشید» گفت: این شعر را برخی برای این استدلال که ما می‌توانیم به اندازه خودمان حق تعالی را بشناسیم، آورده‌اند. اما آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی این دو مقایسه را اشتباه دانسته و بیان می‌کنند که دریا موجودی جزء‌بردار است و می‌توان جزء آن را جدا کرد، اما در بحث ذات، ذات حق تعالی که جزء‌بردار نیست، بلکه حق تعالی بسیط است و بسیط به این معناست که او موجودی است که با همه کمالاتش جلوه‌گر است و با همه ذاتیاتش جلوه‌گر است؛ لذا جزء‌بردار نیست.